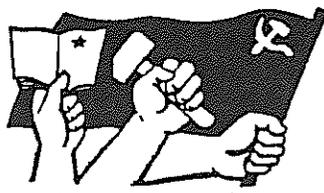


# پیکار دانشجو



ارگان اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور

هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
 شماره ۵ نیمه اول آذرماه ۱۳۶۰  
 ۱۹۸۱  
 کتبخانہ ایران  
 تهران  
 Iranische Bibliothek in Hannover

## دولت موقت و اجزای تشکیل دهنده آن (۲)

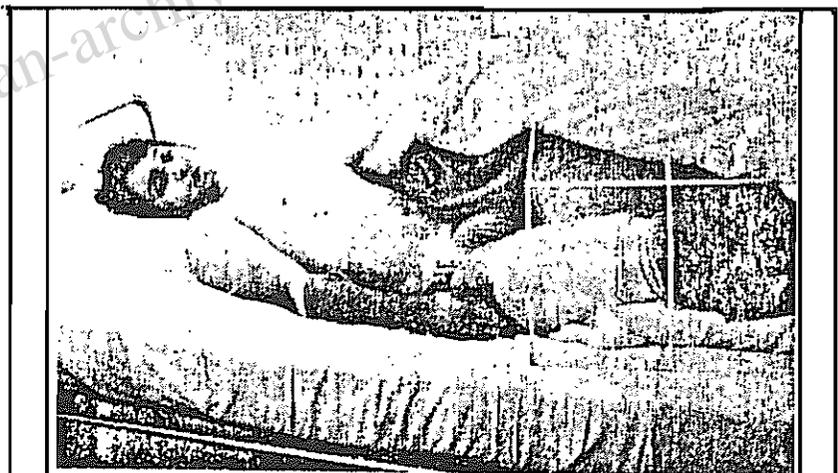
ما در شماره های قبل (۲ و ۳) پیکار دانشجویان در قسمت اول این مقاله اجمالاً روند تغییر و تحولات جامعه را از بعد از قیام بهمن ماه ۵۷ و در بطن آن اختلافات و تضادهای دو جناح عمده حکومتی یعنی حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی و لیبرالهای خائن را شرح دادیم و گفتیم که در طی یک دوران جنک و دریز بین دو جناح بالاخره حزب جمهوری اسلامی با کمک خمینی جلاد موفق به طرد حریف خود بقیه در صفحه ۲

## گزارشی از صنعت نفت اهواز

وضعیت فلاکتبار اقتصاد ایران و ورشکستگی اقتصاد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی که همیشه ناشی از سیستم سرمایه داری وابسته میباشد باعث شده تا هرچه بیشتر فشار اقتصاد بر دوش زحمتکشان بویژه طبقه کارگر وارد آید. این فشار در اشکال مختلف تبلور می یابد. بقیه در صفحه ۸

## تیراندازی مزدوران رژیم در پاریس

به رفیق هوادار سازمان پیکار... در صفحه ۹



Incidents au consulat d'Iran

## افشای یک جاسوس

اسماعیل  
 نام خانوادگی صفاری میاندوآب  
 گذرنامه شماره ۲۱۹۴۸۲ صادره از ارومیه  
 بقیه در صفحه ۱۱

### در صفحات دیگر این شماره:

- اخبار ایران صفحه ۸
- اخبار خارج از کشور صفحه ۷
- زندگینامه دورفیک شهید صفحه ۱۰
- سلامتیمان و شکست "گرنش" سیاسی اش صفحه ۵
- پیام اتحادیه جهانی برفیق سرمدی صفحه ۹

## اشغال کنسولگری ایران

در میلان: افشای جنایات روزمره ولایت قطع

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی وظیفه کلیه دانشجویان انقلابی و مبارزان در خارج از کشور میباشد. تا بحال دانشجویان مبارزان بقیه در صفحه ۶

سرنگون یاد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی

- بقیه "دولت موقت" و ..... از صفحه ۱  
 یعنی جناح بنی صدراعوان وانمار وی از ارگانهای تسدرت  
 - شدو "قهرمان" بلامنازع سرکوب انقلاب گردید. بنی صدر  
 نیز که خود مدت دو سال ونیم هم بیمان ما پرسرمداران رژیم و  
 یکی از دست پرورده های "امام" بود، هنگامیکه موقعتست  
 خود را بوسیله حریفان زورمند در خطر دیدو کشتی "اقتصاد  
 توحیدی" اش بیگن نشست، با استفاده از جنایات وحشتناک و  
 ناخبرگیهای حریفان مرتجع و عقب گرای خویش بنای "اعتراض"  
 بر علیه جما قدراری را سرداد و توانست خود را بعنوان قبله گس  
 بخشی از مردم که با درکهای متفاوت و از دیدگاههای مختلف  
 با حزب جمهوری اسلامی از در مخالفت برآمده پیوندده سازد.  
 بنی صدر نه تنها توانست بخشی از توده های ناآگاه را با عوام  
 نریبی و وعده و وعیدهایش بدنبال خود بکشد، بلکه در مقطع  
 بعدی یعنی در آخرین ماههای حکومت خود وسپن بمد از طرف نشدن  
 قادر شد رهبری سازمان مجاهدین خلق را بر حواله ساحتها ی پور -  
 ژوانی و ارتجاعی خویشیج نماید و در "شورای مقاومت" متفکک  
 کند. به بیان دیگر این تنها بخشی از توده های ناآگاه نبودند  
 که طمع سیاستهای "آزادبخواهی" بنی صدر گردیده بلکه  
 رهبری مجاهدین نیز در مرحله ای که مبارزه طبقاتی بحادترین  
 شکل خود رسیده، با روی آوری به بنی صدر یعنی روی آوری  
 به بورژوازی ارتجاعی، بدامن زدن به توهم توده ها و تضعیف  
 قطب نیروهای انقلابی با ری رساند. در این بخش از مقاله ما  
 ب بررسی ماهیت طبقاتی برنامه ها و طرحهای ارائه شده از طرف  
 بنی صدر و عملکرد وی در دوران قدرت پرداخته و در ادامه آن  
 سیاست سازمان مجاهدین و برنامه "دولت موقت" را مورد  
 سداقه قرار خواهیم داد.

x x x x x x

بنی صدر روشنفکر بورژوانی بود که سالها در خارج از کشور  
 و بدور از مبارزه پر مخاطره طبقاتی درون جامعه با خاطری آسوده  
 در فرانسه رحل اقامت افکنده بود و حتی در مبارزات ضد امپریال-  
 لیستی و ضد فاشیستی دانشجویان مبارز در خارج از کشور نه تنها  
 کوچکترین نقشی نداشت، بلکه به تخطئه آن نیز میپرداخت  
 "مبارزات" وی نیز همانند خمینی خائن منحصر باین میشد که  
 با همکاری عناصر مرتجع و شناخته شده ای از قبیل قطب زاده،  
 بزدی، حبیبی و... هرازگاهی نامه پراکنی هائی نموده و نشرید  
 ای را منتشر نماید و در عین حال در مبارزات دانشجویان انقلابی  
 خارج از کشور اختلال نماید. مبارزه بر علیه رژیم جنایتکار  
 شاه در آن زمان کار روشنفکران اختعای مانند بنی صدر و مثالم  
 نبود و همین جهت بود که بنی صدر هم پالگی هایش بتماشای  
 مبارزه بی امان جاری نشده و مترصد فرصت منتهم بودند.  
 با شروع مبارزات توده ای در سال ۵۶ و تداوم و گسترش هر چه  
 بیشتر این مبارزات انقلابی عناصر و "شخصتهای" فرصت  
 طلبی نظیر خمینی، بنی صدر و... که تا آن زمان گوشه نشین  
 بوده و یکنجی خزیده بودند، مانند کرمهایی که در اثر اشعه آفتاب  
 بحرکت میآیند، در بر تودر خشان مبارزات توده ها بحرکت درآمد  
 و وار حننه شدند. با ورود خمینی بپاریس روشنفکران بورژوانی  
 از نوع بنی صدر مطیاطبائی... نیز بیا "امام" "بیعت" کرد،  
 و آماده اشغال کرسیهای قدرت شدند. تعظیم و تکریم و شنا گوسی  
 آنان از خمینی جلاد بدین خاطر بود که آنان دستهای یکمب  
 آمال بقول بنی صدر "۳۰ ساله" شان را در قبال بیعتی با وی

تا حدودی تضمین شده میدانستند. با بقدرت رسیدن خمینی و دارو  
 بسته اش بنی صدر نیز میدان را برای تحقق آرزوهای خود مناسب  
 دیده. و با جا رو جنجال راه انداختن در مورد "اقتصاد توحیدی"  
 اش بفریب عوام الناس مشغول شد. زیرا بنی صدر بخوبی میدانست  
 که در صورت عدم ترمیم خرابیهای ناشی از ضربات وارنده از طرف  
 جنبش انقلابی بر بیکر نفرت و بیوسیده ستم سرمایه داری وابسته  
 وعدم کنترول و منحرف کردن خواسته های بحق زحمتکشان و بیوسزه  
 کارگران، حاشی برای او و "اقتصاد توحیدی" اش نخواهد  
 بود. لذا او با سوء استفاده از اعتقادات مذهبی توده ها به  
 توجیه استثمار انسان از انسان و تشویر تیزه کردن این استثمار  
 بکلمک آیات قرآن و با لفاظیات بورژوانی پرداخت. او میگفت:  
 "مالکیت سرمایه یا بنص عمومی باشد و اختیارش را حکومت داشته  
 باشد. اما مالکیت تولیدی مال معان و کارگر باشد و اداره تولید  
 باید با خود آنها باشد یعنی سرمایه حقی به تولید نداشته باشد.  
 سرمایه فقط حق ادامه حیات داشته باشد. در نظام سرمایه داری  
 و سوسیالیسم سرمایه مالک کار است. در طرح اسلام سرمایه مالک  
 کار نمیشود...!!" (سخنرانی در استادیوم کارگران دروازه  
 غار - اسفند ۵۷)

از این حملات بی سرتو و متضاد بپیکار بنی صدر بظاهرنجیب  
 بر میآید که وی مالکیت خصوصی را رد نموده و مخالف سرمایه داری  
 است! ولی جملات بعدی وی از قبیل "سرمایه... حق مانسندن  
 داشته باشد حق حیات داشته باشد"!! ماهیت استثمارگران  
 و سرمایه دارانه افکار و عقاید بنی صدر را بر ملا میآورد. بی صد  
 با معرفی سیستم سرمایه داری در کشورهای رپویز پونیستی شوروی  
 و اقامت روی بعنوان سوسیالیسم و طرح این ساله که "در نظام  
 سرمایه داری و سوسیالیسم سرمایه مالک کار است"!! میخواهد به  
 توده های ناآگاه جنبش حقه کند که طرح "اقتصاد توحیدی"  
 وی چیزی حدا از سرمایه داری است!

چکیده هزینه های بنی صدر این است: "مالکیت سرمایه عمومی  
 است"!! "سرمایه حق ادامه حیات دارد" ولی سرمایه داری  
 وجود ندارد! بلکه "اقتصاد توحیدی" است!! زیرا "در طرح  
 اسلام سرمایه مالک کار نمیشود"!! بنی صدر سعی میشود که سرمایه  
 بدون سرمایه داری ممکن است و در سرمایه داری "سرمایه مالک  
 کار است" و چون در اسلام چنین نیست پس استثمار هم در "اقتصاد  
 توحیدی" وجود ندارد!! حال چگونه در "اقتصاد توحیدی"

بنی صدر سرمایه بحق حیات دارد ولی سرمایه داری وجود ندارد،  
 فقط شارلاتانهای مانند خود او میتوانند توجیه کنند.  
 سوسیالیسم علمی میآموزد: "تولید سرمایه داران و کار  
 گران مزد بر محصول اصلی روندا رزش زای سرمایه است. اقتصاد  
 عامیانه، که فقط اشیا تولید شده را در نظر دارد، اینرا کلاما  
 فراموش میکند. از آنجا که در این روند کار تجسم یافته در عین  
 حال بعنوان تجسم نیافتن کارگر، بعنوان تجسم عاملی در مقابل  
 کارگر و بتماشای مالکیت یک اراده نسبت باینبیکانه، قرارداد  
 شده است. ضرورتا "سرمایه در عین حال سرمایه دار است و این فکر  
 بعضی از سوسیالیست ها مبنی بر اینک ما سرمایه با احتیاج داریم،  
 ولی نه به سرمایه داران کلاما" اشتباه است. مارکس در "اشکال  
 تولیدی ما قیبل سرمایه داری،"

آری! اگر سرمایه حق حیات داشته باشد صاحب آن یعنی سرمایه  
 دار هم حق حیات داشته و وجود سرمایه دار و کارگر و روابط تولیدی  
 منتج از آن همان سیستم سرمایه داری است که آقای بنی صدر

رژیم جمهوری اسلامی حامی سرمایه دار، دشمن زحمتکشان!

باو "اقتصاد توحیدی" لقب میبندد. نکته دیگری که از طرف بنی صدر مطرح می‌شود این است که اوبایتکیه و اصرار مداوم روی مساله "مالکیت سرمایه بر کار" و ادعای اینکه در اسلام اینطور نخواهد بود از یکطرف ماهیت واقعی سرمایه‌داری را می‌پوشاند و از طرف دیگر می‌خواهد با حرکت از این موضوع مضمون واقعی سرمایه‌داری را "اقتصاد توحیدی" خود را بی‌پوشاند. بنی صدر با زیرکی خاص و با سوء استفاده از ناآگاهی زحمتکشان مساله اصلی سیستم سرمایه‌داری، یعنی بالاکشدن ارزش اضافی تولید شده از طرف کارگران بوسیله سرمایه‌داران را مسکوت می‌گذارد و از "مالکیت سرمایه بر کار" سخن می‌زند؛ درحالیکه در سرمایه‌داری این مالکیت سرمایه بر کار نیست که مبین ماهیت ضدکارگری سرمایه‌داری می‌باشد، بلکه این مالکیت بر ابزار تولید است که بکمک آن سرمایه‌داران میلیون‌ها توده فاسد ابزار تولید را استثمار می‌کنند. برعکس ادعای بنی صدر یکی از مختصات ویژه سرمایه‌داری "آزاد کردن کارگران در فروش نیروی کارشان است". به بیان دیگر در سرمایه‌داری سرمایه‌داران بر کار را مالکیت ندارند، بلکه سرمایه‌داری خود با سلب مالکیت از دهقانان و مجبور کردن آنان بفروش آزادانه نیروی کار خود و با مصلحت آزاد کردن آنان برای اختیار کار بی‌بیل حدود با بصره وجود گزارده. آنچه که گویای ماهیت استثمار کارگران سرمایه‌داری است نه بزعم بنی صدر مالکیت سرمایه بر کار است بلکه سلطه هم‌حانیه سرمایه‌داران بر ابزار تولید است که استثمار نیروی کار کارگران و بچپ زدن ارزش اضافی تولید شده بوسیله اکثریت جامعه و استفاده از آن برای مقاصد سودگراانه و حفظ سلطه سیاسی - اجتماعی را ممکن می‌سازد. اصولاً مهمترین شرط بیداری سرمایه‌داری وجود دو نوع مختلف از صاحبان کالا (بول و نیروی کار) است که بتوانند در بازار آزادانه کالاهای خود را مبادله کنند. "از یکسو صاحبان پول و سایر تولید و وسائل معاش که هدفشان این است که بوسیله خرید نیروی کار بیگانه مجموع ارزشی را که در تملک خود در آورده‌اند افزایش دهند، از طرف دیگر کارگران آزاد، فروشنده نیروی کار خود و بی‌بنا بر این فروشنده کار... مارکس کا پیتال جلد اول صفحه ۷۴۲

در ادامه همین عوام فریبی ها و سوء استفاده از عقاید و احساسات منغی توده‌ها است که بنی صدر با تز "معنویت" خواهی خود بیدان آمد. و از یکطرف برای توجیه "اقتصاد توحیدی" خود می‌گفت که: "اساس در اسلام کار است و هر کس کار کرد بیاید نتیجه‌ی خود را ببرد" (کتاب کار و کارگر در اسلام) و هنگامیکه در عمل بعنوان عروسک سیستم سرمایه‌داری مجبور بر سرکوب خواستهای بحق همان کارگرانی که می‌خواستند "نتیجه سعی خود را" ببرند، می‌بند عریده می‌کنند که "خوراپورا مالیده" و با زمامی که تهدیدها و سرکوبها موثر نمی‌افتادند، مجدداً "بحریه عوام فریبی متوسل شده و بکار کارگران می‌گفت: "۰۰۰ و امروز با ملی کردن بنا نکجا و با تصویب قوانین لازم آنها را برای اینکه همه چرخهای اقتصادی ما را بکار رهنمازند. آماده کرده‌ایم. بنا بر این زمان ما زمان کار و تلاش است. بدیهی است که سرمایه ما مشکل سابق صرف پر کردن حیبها نخواهد شد (!!!) اما برای اینکه این سرمایه‌ها به نیروی کار شما اضافه و تولید بی‌وجود بیاید (!!!) بر شماست که محیط کار را سالم کنید و آماده تلاش هم‌جانیه شوید" روزنامه انقلاب اسلامی ۱۲ بهمن ۵۸.

آری بنی صدر بکارگران می‌گوید که زمان کار است و تولید و عسما با این محیط کار را سالم کنید - یعنی اینکه همکاران زحمتکش و مبارز و مترقی خود را از خود برانید - یعنی اینکه بر با به برنامه روزروائی او شب و روز جان بکنید تا کشتی بگل نسته سرمایه‌داری وابسته براه افتد و سرمایه‌داران زالو صفت بقدر کانی سود برده و جاق و فربه شوند. و اگر هم نتوانستید شکم خود را خانواده‌تان را با وجود همه جان کندن ها و تلاش بی‌بانه روزی سیر کنید ما نمی‌توانیم زبیرا: "شما کارگرها بداندید نسلان سرمایه‌دار که هفت رنگ خورشفت می‌خورد، چون خورشفت پر چربی است، مضرتر از نان و بیسی است" !!!!!! سخنرانی در خزانة اسفند ۵۷- پس باید چکار کرد؟ شما با بیسی بهمان نان خالی و بیسی بسازید و می‌گویید: "کارگرانی هستند که نان با بیسی کولامی‌خورند و ما میدانیم که خیلی ضرر دارد" !!!!!! در همان سخنرانی - آقا بی‌خودی که "دکتر" نشده! آنقدر با مسواد است! که میدانند نان و بیسی کولا ضرر دارد! و خورشفت هفت رنگ سرمایه‌دارها هم خوب نیست چون زیاد چرب است !!! این کلمات و حملات فقط می‌توانند از منزعلیل بنی صدر و امثال او تراوش نمایند که هدفشان تنها و تنها تریب و استثمار زحمت کشان مخدمت به سرمایه‌داران و شرعیت بخشیدن به سیستم استثمار گرانه حاکم می‌باشد و نه هیچ چیز دیگر. بنی صدر در دوران زمام داری خود و برای توجیه و بزرگ کردن چهره ضدکارگری سرمایه‌داری به ترندهای دیگری از قبیل تنبیر نام "ریا" به "کارمزد بانکی" و امثالهم نیز متوسل گردید.

در حقیقت افکار مغشوش بنی صدر چیزی جز افکاره‌ها و برنامه‌ها ی ایدئولوژیهای اقتصاد دی سیستم سرمایه‌داری نمی‌باشد. منتها بنی صدر این عقاید بناکان و بیدران طبقاتی خود را نیز بصورت بریده بریده آموخته و رنگ و لعاب اسلامی بآن زده و می‌خواهد بعنوان "اقتصاد توحیدی" قالب کند. (گفته از آن که اسلام ماهیتاً بعنوان ایدئولوژی طبقات استثمارگر در روستای کلی خود بهیچوجه در تضاد با سرمایه‌داری نمی‌باشد) شاید می‌تواند تراوات مغزی بنی صدر را تا حدودی بحساب الشقاط فکری و خبا لیا فی او گذاشت، اگر عمل کرد و سوله او بعنوان یکی از سهره‌های اصلی رژیم سرمایه‌داری وابسته جمهوری اسلامی پشتوانه گفتارهای مان نبود. ولی با سروری کوتاه بر اینها های قبلی و فعلی بنی صدر خائن و مقایسه آریا عمل کرد گذشته وی می‌تواند ما را در درک ماهیت واقعی سیاست کنونی او با آری رماند.

بنی صدر امروزم از آزادی می‌زند؛ و مدت‌هاست که بر پرچم خود عوام فریبانه "مبارزه" با جما قدراری رانفته است؛ و لسی آیا بنی صدر واقعاً مخالف جما قدراری است و خواهان آزادی است؟ بهترین پاسخ این سوال را بررسی کوتاه دومان ونیمم گذشته میدهد. بنی صدر با افتای محدود سیاستها و حرکات - فاشیستی و زورگویانه و قلدرمنبانه حریفان مرتجع حزبالهی خویش می‌خواست و می‌خواهد چنین وانمود نماید که مخالف جما قدراری و سرکوب مخالفین است و در اجرای همین سیاست است که جما قدراری را محدود و منحصر به حملات باندهای فاشیستی حزب جمهوری اسلامی به اجتماعات و کتابخانه‌ها و روزنامه‌ها و غیره میدانست و بر محور این مساله بخصوص در سخنرانی ۱۴ اسفند سال گذشته و بعد از آن به تبلیغات و سیمی ست زد. ولی نه جما قدراری رقبای وی و نه "آزادبخواهی" بنی صدر نمی‌توانند او را تبرئه نمایند. زیرا بنی صدر در عمل و در طول دو سال

زنده باد سوسیالیسم!

انقلاب" و بنام آن در ۳۰ فروردین اعلام میکند: "دانشگاه ها و دفاتر سیاسی باید در عرض سه روز برچیده شوند" و بعد از بخاک و خون کشیدن دانشگاه "فاتحانه" و شادمانه اعلام میکند: "امروزه روز حاکمیت شورای انقلاب میباشد." وی اکنون میخواهد در هم کوبیدن جناح پستکارانه دانشگاه را "فراموش" کند! ولی حقیقت آنست که کارنامه او سیاه تر از آن است که رنگی دیگر بدهد.

آری! "آزادبخواهی" بنی صدرو خمینی و امثالهم بمعنای آزادی برای استعمار روسکوب است و نه آزادی برای زحمتکشان و نیروهای انقلابی. اگر بنی صدر و خمینی امروز بخاطر "آزادی" بصورت یکدیگر چنگ میاندازند، نه بخاطر کسب آزادی برای اکثریت جامعه میباشد بلکه جنگ وجدل آنان بر سر آزادی باند و بسته خونیان است. اینک بنی صدر مدافع "منافره و بحث آزاد" و "مخالف" قهر اکنون بدفاع و تائید اکیونهای ملحانه و ترور سردمداران منور رژیم جمهوری اسلامی مهربانند، نشاندهنده این واقعیت است که بنی صدر برای بقدرت رسیدن محدود خود هنوز احتیاج بتودهها دارد و میخواهد جانفانی تودهها را یکبار دیگر وثیقه بستایی بقدرت قرار دهد و سپس با سوار شدن بر مرکب مراد بر کوبی تودهها دستزند. همان کاری که خمینی و دارو بسته اش و خود او یکبار انجام داده اند. لذا: "مادلهئی ندارم بخونشیرینی های فعلی لیبرالی بنازیم، بلکه ما باید به پرولتاریا همداریم و اهداف این خونشیرینی ها را با و نشان نهم."

لنین - مجموعه آثار جلد ۸ صفحه ۱۵۹ چاپ آلمانی  
"آزادبخواهی" بنی صدر با تمام حمانندکاری و ضد کمونیستی خود در حلات زبذله او به رفیق استالین هم خود را آشکار میازد. بنی صدر این مفتون مکتب سرمایه داری و عافق دلخسته "دموکراسی" بورژوازی اروپا تنها موردی را که بخوبی از آموزگاران بورژوازی خود فرا گرفته همان نسبی و ضدیت سرمایه داری یا کمونیسم است که بازتاب خود را در دوره اخیر بعد از جنگ دوم جهانی بجهت روانیستهای (انتقامجویان) آلمانی و پاتشور تیزه شدن این کینه ریزی بوسیله ترور کسبتهای خائن در حمله بشخص رفیق استالین بعنوان رهبر کبیر پرولتاریای شوروی و درهم شکننده فاشیسم هیتلری، میباشد. بنی صدر خائن مانند کلیه آنتی کمونیست های شناخته شده و همانند خمینی مرتجع نفرت و کینه طبقاتی خود بطبقه کارگر و ایدئولوژی او را در لجن پراکنسی به رفیق استالین بیان میکند. ولی در عرض ۳۵ سال گذشته بسا وجود دروغ پردازها، جمل و قلب واقعیت، سرهم کردن اسناد و خلاصه بکار گرفتن کلیه رسانه های گروهی از رادیو، روزنامه و تلویزیون گرفته تا سینما و غیره بوسیله امیربالیستها و نوکران آنها و کلیه رژیمهای مرتجع و فاشیستی بر این کوشش

بوده اند که عصمت انقلابی رفیق استالین را با سوء استفاده از اشکالات و معطلاتی که در راه سازندگی سوسیالیسم تا حدودی هم اجتناب ناپذیر بوده، خسته دار نمایند. ولی با تمام این کوششها و از آنجا که کلیه این تبلیغات مسموم حقا نیست ندارند و هدنی جز تحطه و لحن مال کردن مارکسیسم - لنینیسم نداشته است، نه تنها نتیجه مورد نظر مرتجعین را ندادند - بلکه باعث افشای ماهیت ضد کمونیستی خود آنها گردیده است

نشان داده که یکی از جماعتداران اصلی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بوده است. به گریستان قهرمان نظری بینکنیم! آیا بمباران سربناهای زحمتکشان کرد بوسیله فاشیستهای ارتش فاشیستی جمهوری اسلامی که بستورینی صدر بمنوا فرمانده کل قوا انجام گردید، جماعتداری نیست؟ مگر زحمتکشان کرد چه میخواهند و میخواهند جز آزادی و حق تعیین سرنوشت خود که بنی صدر و رتبیای مرتجع او متحدان "بجنان حنا پانی دست زدند؟ این جماعتداری نیست که با بمبهای نابالم، موشکها، راکتها، توپها، تانکها و گلوله های ساخت آمریکا و اسرائیل محلات مسکونی و قهرنشین سنسندج را با خاک و خون یکسان کردید؟ این جماعتداری نبود که با همکاری با دارو بسته های وابسته به "تیا" امثال "قباده موقت" گریستان را ویران نمودید و هزاران تن مردم بیگناه و بیبشمه گهای قهرمان را کشتار نموده و آنها هزار نفر را از خانه و گاشانه خود رانده و آواره کردید؟

آری! این جنایات فقط بخشی از سیاست جماعتداری و سرکوب گرانه بنی صدر خائن، بهیستی معدوم و خمینی دروغ بر دار بوده و خواهد بود. بنی صدر میخواهد با تکیه بر روی شکل اسلحه سرکوبگرانه رقبای خویش خود را مخالف جماعتداری جدا بزند. ولی جماعت منحصراً آن جویند میخ دارو یا میکوب شده و غیره نیست. جماعتی در دنیا کثرتز آنان نیز همان بمبها رانها و گلوله باران کردنیهای گریستان دلاور است که بنی صدر و خمینی و دیگر مرتجعان در آن وحدت کلمه و عمل داشتند.

نمونه دیگر سیاست جماعتداری بنی صدر با رزای ارتش جناح پستکار "فاشیستهای" و آماده کردن آن برای سرکوب انقلاب و آزادی است. عملی که بنی صدر در نامه محرمانه خود به خمینی جز "افتخارات" دوران زمامداری خود بر میشمرد.

بلکه نمونه دیگر جماعتداری بنی صدر شرکت مستقیم و در رأس جماعت داران حزب الهی در سرکوب دانشجویان کمونیست و انقلابی در دانشگاه است. وی امروز میخواهد همدستی خویش در بستن دانشگاهها و بخاک و خون کشیدن آنان را با حمله به نیروهای انقلابی توجیه نماید و بی شرمی را با آنجا میرساند که میگویی:

"... اینها در خارج همین تسجرات چینی که میگویند که از نظرم چینی نیستند است راستی افراطی هم هستند املاً" فاشیست هستند اینها به دوتا مطلب جسیبده اند یکی همین قضیه

دانشگاه است... (بنی صدر در مصاحبه با هواداران خود در آلمان ۸۱/۹/۱۲) بنی صدر خائن که بنظر میرسد در این مصاحبه نتوانسته رعایت "حفظ ظاهر" را بکند و آنچه را که ماهیت طبقاتی اش با حاکم میکند، بر زبان رانده است خبال میکند بساین سادگیها و با فاشیستی خواندن کمونیستها و انقلابیون میتوانند ستان خونین خود را بشوید و خود را از جنگ انتقام خلق برهانند! او مدعی میگردد که با "تهدت" زده شده و این "تهدت"

را هم چینی ها باورده اند! امروز او این را میگویی ولی ببینیم در زمانیکه در اوج قدرت بود چه میگفت؟ او در سخن رانی خود در روز سه شنبه ۲ اردیبهشت ماه ۵۹ در دانشگاه گفت:

"... ما این سنگرها تیکه در برابر ملت ما ساخته خود سنگرهای شیطان تلقی میکنیم و بدون ترحم آنها را درهم میکوبیم...!! بدیهی است که منظور وی از سنگرهای شیطان چیزی جز دانشگاهها و دفاتر هواداران سازمانهای انقلابی نبودند. بنی صدر حتی از واژه های بدربزرگواری خمینی جلاد استفاده میکند و از "سنگرهای شیطان" صحبت میکند! او بعنوان رهبر "شورای

### سلامتیان و شکست گردش سیاسی اش

اخبار سلامتیان یکی از سردمداران سابق رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و نماینده مجلس ارتجاع و سرمایه دوستیاری بنی صدر لیبیرا ل خا - ثن اقدام به یک تئوریسی "دور آلمان نمود و در اغلب شهرها بعلمت افشاگری وسیع دانشجویان کمونیست و انقلابی "رسانت سفرش با شکست مواجه گردیده و وی دست از بار زرتیرسوراخ خود خریدار ما در اینجا قصد برشمردن جنایات دوساله رژیم جمهوری اسلامی و شرکت مستقیم بنی صدر خائن و سلامتیان زهمنست وی در این جنایات را نوله ریم بلکه هدف روشن کردن "گردش های سیاسی مثلاً سلامتیا نه نزیه و هم با لنگها پنا نمیباند" این آقایان تا زمانیکه میسرند قدرت رژیم ارتجاعی و ضد خلقی جمهوری اسلامی تیکه زده نه با توده ها کاری داشتند و علاقه ای به آزادی نداشتند آنها چنانست غرور قدرت و مقام بودند که بهیچنایستی برای حفظ قدرت و بازسازی سیستم پوسیده سرمایه داری وابسته دست میزدند و سر تعظیم در پیشگاه امام جلادان خمینی خونخوار فرود میآوردند اما زمانیکه حریف زورمند و ارتجاعی آنان یعنی خمینی فاشیست و پارانیش حزب ضد خلقی جمهوری اسلامی تحمل این جوجه دیکتاتورهای روشنفکر نما ی رانداشت و آنها نرا یکی پس از دیگری از مقامهای خونبرکنا روتا لیا رکرده این آقایان نعو مفریبا نه با آزادی افتاده و "آزادخواه" آراب در آمدن و براریست با بییه چنین "آزادی" هم با اولین امکانات بخارپا ز کشور فرار کردند و از آنجا که سابقه آنان در همین مدت کوتا ه دولت داریشان جاه است ، در صد آندتا با عوا مفریبی و پلار رتان بازی مخصوص خود برای خویش حددا آبروئی کسب کنند ولی هذگا می که با مقامت و افشاگری دانشجویان کمونیست و انقلابی مواجه میشوند بیخبرانه مدعی شده که هواداران سازمانهای انقلابی "چماقدار" هستند و حقوق "دمکراتیک" را رعایت نمیکنند! آری حامیان سرمایه که خود را "سال" چماقدار پیوده و با سرگرده چماق داران، اما خمینی همدست بودند تا به نیروهای انقلابی لقب چماقداری می دهند در منطق بیشتر مان مرتجع هوا دار نیروها نی که در عرض دوسال حکومت ضد خلقی این مرتجعین صدها شهید در راه مبارزه با چماقدارانی چون بهشتی و بنی صدر نشا رزاه انقلاب و آزادی کرده اند چماقدار محسوب میشوند اما قاتلین خلق دلاور کرد و دانشجویا مبارزان نگاه "دمکرات" هستند! اجای تعجب نیست که این خا - ثنین بما چماقدار بگویند و جز این هم انتظار نی نیست زندگی سیاسی این مرتجعین بر با عوا مفریبی و سرکوب و کشتار انقلاب و آزادی بنا شده ، اینان چهره خوا رسرما به هستند و سرمایه براری کسب سود و ارزش اخائی ناچار با استثمار و سرکوب و تحقیر نیروها نی است که برای رهایی انسان از استثمار و براری آزادی زحمتکاران و نه آزادی استثمار رکنندگان مبارزه میکنند طبیعی است که از سلامتیا ن و شرکا "بعدا ز شکست مفتنحا نه گردش سیاسی و در شهرهای کلسن فراتکفورت عها مبورگ هیرلین غربی (با وجود اعلام برنامها با این شهرها مولانیا مد) اما انتظار بر برخورد دیگری نداشته و ندا ریم ولی مسئله ای که پیش از پیش در خلال این درگیریها برای توده های دانشجویان روشن شده ما همت واقعی جریان نی نام "وحدت چپ" بود این جریان که عمدتاً از تعدادی انگشت زما رها عه نصین و فسهل غنڈ جنبش دانشجویی در چند شهر تشکیل گردیده مجددا و با رسیدن بوی مقام و منصب به مقام آقایان سردمداران این جریان و بعد از دست

اگر امروز بنی صدر خائن با وده های ایدئولوژیکی امیر با نیم را نشخوار میکند ، فقط وحشت و هراس خود را از رشد و گسترش ما رکسپم - لنهینیم در جامعه بنماش میگذارد و در نظر دار دبا حمله به دیکتاتوری - بسروقتسارها ، ماهیت دیکتاتوری بورژوازی حکومت گذشته و آینده خویش را بنهان سازد .

x x x

حال بنی صدر با یک چنین گذشته سهای بتوده های زحمتکش و نیروهای انقلابی و کمونیست وعده آزادی میدهد! و خود را ناجی آزادی میخواند . در حالیکه سیاستی که بنی صدر اکنون در پیش گرفته ادامه همان سیاست چماقداری گذشته وی در شکل دیگری میباشد و هدف آن نجات رژیم ارتجاعی و سرمایه داری جمهوری اسلامی است و نه آزادی

سیاست و برنامه های بنی صدر امروزه از طرف برخی سازمانها جریانات سیاسی و عناصر مورحمایت قرار گرفته :

- تفاله های بورژوازی که در تشکیلاتهای "جبه ملی" "حزب ملت ایران" "نهضت آزادی" "گردد آمده و هر یک بنوعی از در مخالفت با حزب جمهوری اسلامی برآمده و مستقیم و غیر مستقیم به حمایت بنی صدر دست میزنند"

- جریانات روزه بنی صدر و ارتجاعی سه جهانی از قبیل "حزب رنجبران" ، "اتحادیه کمونیستها" ، "که با درکی بورژوازی از جامعه و اعتقاد داشتن به موجودیت "بورژوازی ملی" و به حساب آوردن بنی صدر در جرگه این بورژوازی و در اندیشه سیاستهای ضد انقلابی خویش در سابق که بتأیید تام و تمام رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی میپرداختند - امروز به هوراکنیدن و کف زدن برای بنی صدر مشغولند"

- عناصر و "شخصیتها" ی ورشکسته سیاسی که در بنی صدر و آلترناتیو "دولت موقت" او حددا "چشم انداز زمینهای برای عرض اندام سیاسی خویش میبینند و رویای رسیدن بمقامات مملکتی در کف حمایت بنی صدر را در سر میپورانند و

- رهبری سازمان مجاهدین خلق که سیاست راست روانه خود و تسلیم طلبی در مقابل برنامه های بنی صدر را میجوهد بدین نحو توجیه کند که گویا این بنی صدر است که بزرگم سازمان مجاهدین به وحدت نشسته و از گذشته خود بریده است! و این سازمان مجاهدین است که سیاست خود را غالب نموده و بنی صدر را به

تمکین از این سیاست مجبور نموده! در حالی که با سرور بر برنامه "دولت موقت" و مقابله آن با برنامه های قبلی سازمان مجاهدین این واقعت عربان میگردد که خط منی حاکم بر برنامه "دولت موقت" نه سیاست سازمان مجاهدین بلکه سیاست بورژوازی و ارتجاعی بنی صدر است . مادر بخش بعدی این مقاله و قبیل از بررسی برنامه "دولت موقت" سه است سازمان مجاهدین را از بعد از قیام و عدل تغییر سیاست آن را با کمک مواضع خود این دوستان در قبیل رویدادهای مهم جامعه ، مورد بحث قرار خواهیم داد .

ادامه دارد

تیراندازی ۱۰۰۰ از صفحه ۹

کلمه رفقای هوادار را بشو ابلاغ مینمائیم . با شدت دار آینده ای نزدیک دست در دست کارگران و زحمتکاران رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را ویران و ویرویرانه های آن جمهوری دموکراتیک خلق و سوسیالیسم را بنا سازیم .

اتحادیه جهانی ۰۰۰۰۰ هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - ۲۴ نوامبر ۸۱

## مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

افتتاح عمل ۰۰۰۰ از صفحه ۱۲

می برد از دولی واقعتاً اینست که این سخنان فقط برای عوام فریبی می باشد زیرا در رژیم این جا نیان تا بحال بدترین فضاقتها و رسوائی ها از مکتبپویان خدا غناس "سرزده است" که یکی از تازه ترین آن اخیراً بدست ما رسیده است.

در شهر یورماه گذشته افتتاح بزرگی در زندان کرمانشا به بوقوع پیوسته جریان از این قرار بوده که یکی از نگهبانان زندان که خیلی هم "مکتبی" بود در ضمن عمل لواط در یکی از سلولها با یک نو جوان دارالافتادید دستگیر میشود و این جریان مفتوح پس از بیخیزن زندان در شهر دهان بندها میگردد.

آری حامیان فرهنگ ارتجاعی و مومیاثی و منعیبان دروغین با کدا منی خود بدترین عناصریلیند و حاملین فحشا و فساد در حاکمیه می باشند بقینا این عملیات مفتوح نه اولین آنها بوده و نه آخرین آن خواهد بود که فضاقت ما حرای فضاقت با رورسوائی روا بخفا ریاسدار مکتبی و یکدختربا سدار مکتبی در نوشهر و تداوزیک روحانی (آخر ند) بنختر ۱۵ ساله چندگروه در گنا با دو همچنین عمل منافی عفت یکی از اعضا ۱۰ نمن اسلامی معلمین هشتر و مدیر دبیرستان وحدت "یا یک دختر دانش آموز (برای اطلاع بهتر به یکا ۹۷ رجوع شود) را بخاطر بیباوری و بیباکی آنها گوشه ای بسپار کوچک از فساد و فحشا در دهان مکتبپویان حزب اله ها میسر ما به ادرمی با عد.

ها خا نه فحشینی و آفتاب گیری دوباره در صحنه سیاست در خارج از کشور "تعالیه" و مانند همیشه مفتون و مجذوب قبله گاه قدرت و این بار "شورای مقاومت" غده و حاشه کاسه از آتش داغتر در دفاع از "شورای مقاومت" هر چه بدویها ه لایق خودشان است نثار پس از زمانهای کمونیستی و هواداران آن در خارج میکنند. این "آموزگار" "جنبش برخلاف اسمشان نه با هم وحدت دارند و نه چه هستند! از هر کدام از اینها کم سوال کنی آقا از نظر شما "چپ" چه هست و چه خصوصاً تی و میباید را نی در دهجوا بی ندر د به همه تهمت مکتا ریم میزنند و برای جنبش انقلابی ما ن هر روز نسخه های متمدن و وحدت میپیچند و مخالف "دیکتاتور" از هر نوعی هستند! (البته منظورشان فقط دیکتاتور کراگران و دحفا نا است) و اگر نه ما دقا نه برای دیکتاتور بورژوازی مبارزه می کنند و لسی دونفرا ز اینها را نمیشود پیدا کرد که با هم وحدت نظر افلاکریک مورد اخته با عنحکا بت این آقا بان مثل حکما بت ملانصرالدین است همه چیز را برای دیگران میخواهند. ما نند ولایت فقیه جنبش انقلابی "ره نمود" و "ستور المصل" میهند ولی خود گوئی از دنیائی دیگر و جز "چهارده ممصوم" اند! خلاصه این آقا بان را نباید جدی گرفت زیرا هنوز از مرحله پرت اند و نمیدانند که آن سیویکت و آن بهمانه ریخت ولی باید درمجا که هستند آنانرا افتاد نمود و ماهیت "آزادی" بورژوائی آنانرا که در پشت جملات ما رکستی استتار نموده اند بتویمها نشان داد.

اخیراً ۱۰۰۰ از صفحه ۸

بروجردی بر اساس اخیر رسیده در حدود تاریخ ۲/۱۰/۷۰ تعداد ۰۰۰ مجید در معدن شن سراب کشف میشود جریان از این قرار بوده که راننده لودری جنین کار در معدن به ۰۰۰ مکتبپویان که به سپاه جهل و سرما به حیرت میهد با سداران جنا پتکار بریای سرپوش گذاشتن قضیه را ننده را دستگیر میکنند تا به ازمایش هویت اجبا نخسیرن در دست نیست. ★ مرگ سیر جلادان رژیم جمهوری اسلامی تهران - تظا هراتی در خبا بان نواب - مرتضوی توسط ۱۰ زن داغ دیده که خبرا عدا م ۲ فرزند یکی از مادران را شنیده بودند مشکل گرفت که عفا رهائی بر علیه خمینی میدادند "خمینی خون میریزد خلق بها میخیزد" بین تظا هرات حدود ۱۰ دقیقه طول کشید که بعداً با سداران سر رسیدند در این اثنا چندتن از اختران زیب در محل حضور یافته و عفا رهائی مادران را تحت الشعاع عسارهای خود قرار دادند با سداران سرما به مانع از پراکنده شدن زنان تظا هرکننده شدند که با سر رسیدن مینی بوس و ماشینهای سپاه آنها را سوار کرده با خود بردند. این حرکت مادران با حمایت مردم محل مواجه شده و مردم با این عسار انرجا خود را به رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و با سدارانش نشان دادند. ★

تهران: در اوائل مهر ماه پس از احراق اعتنای شورای کارخانه - فلیبس ها از طرف وزارت کار نما بیندگان نی به کارخانه می آیند و می نند و شورای حدیدی را تشکیل دهند که با مخالفت اکثریت کارگران رو برو میشوند. کارگران خواهان برگشت اعضای شورا میشوند، نما بیندگان وزارت کار سعی میکنند آنها را فریب دهند و میگویند بیندگان شورا حدید میتوانند آنها را به سرکار یا زگرداند ولی کارگران فریب این حیلها را نخورده و در راه گیری ۱۰۰۰ را یی در مقابل ۱۰ رای از طرف انمن اسلامی که فرصت را برای نفوذ به شورا غنیمت شمرده بود، توله کتیف وزارت کار را فحمن و مدیر عام نقش بر آب میشود و رای گیری به بازگشت نمایندگان اخراجی داده میشود.

اشغال ۱۰۰۰ از صفحه یک

کمونیست در خارج به افتاد حامیان سرمایه و رژیم وابسته با میربالیسم جهانی پرداخته اند و در این مبارزات اشفا کرانه هواداران سازمان بیکسار با توجه بتوان خود نقش یزائی داشته اند و در ادامه همین مبارزات بود که دانشجویان هوادار سازمان بیکسار در راه آزادی طبقه



بقیه در صفحه ۱۲

اخبار جنبش دانشجویی

لندن

"اتحادیه دانشجویان و محصلین ایرانی در بریتانیا" عضو "اتحادیه جهانی" هوا دار "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" دانشجویان هوا دار سازمان انقلابی زحمتکشان کرستان ایران (کومله) و دانشجویان هوا دار سازمان جریک - های فدائی خلق ایران جهت افشای جنایات رژیم سرما به - داری جمهوری اسلامی و همچنین شناساندن مبارزات خلقهای قهرمان ایران و جنبش کمونیستی به نیروهای انقلابی در انگلستان؛ متحداً اقدام به تشکیل "کمیته هماهنگی برای دفاع از مبارزات خلقهای ایران" نمودند. این کمیته در تاریخ ۶ نوامبر غب هبستگی با مبارزات خلقهای ایران به زبان انگلیسی در لندن برگزار نمود که در آن بیش از ۲۰۰ نفر از دانشجویان ایرانی و نیروهای کمونیستی و انقلابی خارجی شرکت کردند. در پیام کمیته هماهنگی به لزوم اتحاد عملی مبارزاتی با مرزبندی قاطع با آلترنا تیبو بنیهدر - رجوی جهت طرد لیبرالهای خائن و جذب مجاهدین به آلترنا تیبو دموکراتیک، تاکید شده بود. این شب شامل نمایش الاید و مقاله از قیام تاکنون و با تکیه بر گفتار کرستان و جنایات اخیر و لزوم سرنگونی کل رژیم سرمایه داری حاکم، سرودهای انقلابی تراکت عشر و پیام از طرف سازمانهای کمونیستی و انقلابی با موفقیت تمام برگزار گردید. در پایان سرود آلترنا تیبو - تنال با هماهنگی و صلابت بر شور و کم نظیری خوانده شد.



روز شنبه ۷ نوامبر تظاهراتی برای افشای جنایات رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از طرف کمیته هماهنگی و با شرکت نزدیک به ۳۰۰ تن از دانشجویان مبارز برگزار گردید. در جلوی تظاهرات با ابتکار اتحادیه دانشجویان و محصلین ایرانی در بریتانیا جو به داری بوسله یکی از رفقا که صورت خود را به شکل جلادان رژیم پوشانده بود حمل میشد که تاثیر زیادی در افشای جنایات رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی داشت. همچنین کاریکاتورهای بزرگ شده خمینی جلاد امام تازیانه و دار با نشان خون آلسود، بوسله تظاهر کنندگان حمل میشد. این تظاهرات در عین حال با موضع گیری بر روی "شورای مقاومت" و بسورژوازی لیبرال با طرح شمارهای:

- خمینی هینسی صدر، بختیار، سلطنت طلبان دشمنان خلق ما (به زبان انگلیسی)
- جمهوری اسلامی رژیم ضد خلقی بدست زحمتکشان نابود باید گردد.
- جدائی دین از سیاست خواست دموکراتیک و انکار نابذیر انقلاب دمکراتیک.
- تیوهای ما کثرتت ما رتجاع - ندگه نیرنگان، مسرگ به پیوندتان.
- و ..... می در تبلیغ آلترنا تیبو دمکراتیک پیگیر ناغت لازم به تذکر است که انحن دانشجویان سلمان (هوا دار سازمان مجاهدین) بواسطه موضع انقلابی کمیته بر علیه

بسورژوازی لیبرال و بنیهدر خائن از شرکت در برنامه های کمیته خودداری و از شرکت هوا داران خود در تظاهرات جلوی گیری کردند. این دوستان در حالی که بمناسبت انتخاب پایا نفرو (این نماینده بسورژوازی وابسته یونان) پیام تبریک آقای رحوی را در نشریه خود چاپ میکنند اما از دادن پیام به غب هبستگی با مبارزات خلقهای ایران و شرکت در تظاهرات بر علیه جنایات رژیم جمهوری اسلامی خودداری میکنند. زهی تائف، دفاع از بسورژوازی هم حدی دارد.



روز یکشنبه ۱۵ نوامبر معمال دارو دسته بغایت ارتجاعی حزب خائن توده با صرف مقادیر زیادی از روبلهائی که در پاسخ به سالها نوکری و جاسوسی از سوسال امیربالیستهای روسی دریافت میکنند جهت برگزاری چهلمین سال زندگی سراسر زندگی خود و رقص و پایکوبی بر مزار شهدای بخون خفته خلق و در تائید جنایات رژیم جمهوری اسلامی اقدام به برگزاری جلسهای در یکی از سالنهای لوکس لندن کردند. اتحادیه دانشجویان و محصلین ایرانی در بریتانیا هوا دار "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" همراه با هوا داران سازمان کومله مجریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق جهت اعتراض به گرهمانی طوسان رژیم (توده ای ها، اکثریتی ها و حزب الهی های خائن) دست به تئسدارك حمله بر علیه این خائنین زدند. اما به علت رعایت شرایط امنیتی از طرف این خائنین بیشتر از ۱۰ نفر از رفقای ناخناس نتوانستند به درون جلسه بروند. بقیه دانشجویان انقلابی در اطراف محل به گشت مشغول بودند، خائنین توده ای در پی افشای رفا، از پلیس فاشیست انگلستان تقاضای کمک کرده و در نتیجه گشتی های پلیس در خیابانهای اطراف این محل تا شمعاع وسیعی به گشت برداخته و اقدام به تهدید و بازرسی بدنی چند تن از رفقای ما می کنند و با حمایت خود از رویزیونیستهای توده ای وحدت طبقاتی خود را علیرغم وابستگی به امپریا - لیستهای مختلف با ثبات میرسانند. دانشجویان انقلابی علیرغم تهدیدات پلیس فاشیست انگلیس در اطراف جلسه و در گروه های کوچک همچنان به گشت مشغول و متیرصد فرصتی برای حمله به این خائنین بودند اما از آنجا تیکه سالن برگزاری جلسه با صرف هزینه زیادی کرایه شده بود از امکانات امنیتی زیادی برخوردار بود. پس از حدود

دو ساعت بعد از شروع جلسه پلیس که از تعقیب دانشجویان خسته و از پیگیری آنان عاصی شده بود جلسه را بعلت عدم توانائی خود در حفظ امنیت آن متوقف میکند. خائنین توده ای که از نقاط مختلف اروپا برای برگزاری این جشن به لندن آمده بودند از ترس دانشجویان انقلابی در گروه های پر جمعیت دست از پا درازتر به لانه های خود خزیدند و به این ترتیب به همت دانشجویان انقلابی جشن خائنین نیمه کاره ماند.

گسترده باد اتحاد عمل دانشجویان انقلابی بر علیه رژیم

جمهوری اسلامی در خارج از کشور

مبارزه با امیربالیسم از مبارزه با ارتجاع

داخلی جدا نیست

بقیه اخبار

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

# اخبار و رویدادهای ایران

# سوئد

اخبار ۱۰۰۰ از صفحه ۷

با بدور زیم ضد کارگری جمهوری اسلامی بخاطر اینکه بتواند از این وضعیت جدا افتد مقداری رها نمی‌باشد مجبور است بیش از پیش فشار را بر سازمانها و افراد اعمال کند تا در اخراج کارگران از کارخانه نه بهیستن کارخانه‌ها مجبور شود نمودن کارگران به اطفای کارگری و متبلور می‌شود. نمونه زیر کارخانه‌ها نمایاندهنده سیاست ضد کارگری و جنایتکارانه رژیم سرمایه داری ایران نسبت به طبقه کارگری باشد.

سیاست ضد کارگری رژیم در صنعت نفت: بالفرض در عرض مسائلی اقتصا دی و رفاهی ۱۰۰ قطع فوق العاده کارگاہی (حق فنی) ۱۰٪ حقوق با به کارگران و کارمندان.

۲- قطع فوق العاده کامیوتری و فوق العاده ماشین نویسی و منشی‌گری

۳- قطع ۱۶٪ حق عیفتی، حکم کردن ساعات اضافه کاری ۵ محدودیت بسیار در پرداخت وام ممکن است قطع پرداخت فوق العاده روزانه در مورد خدمات کارکنان ۲۰٪ بستن مهدکودک‌ها و احوال و فشار به زنان کارمندی و محدود کردن روزهای استراحت کارکنان در شرایط جنگی.

ب- در عرض مسایلی (پاکسازی - اخراج - سرکوب و...) ۱۰٪ منع انتقال کارکنان از شمال به جنوب و بالعکس که می‌توانند نشانی نگریسته با کسری یا اضافه ۵٪ قطع کنند ۸٪ تلفن که برای تماس با منطقه صنعت نفت احوال زیاده‌ها و غیره‌ها دیگر است تلفن توسط دوران رژیم کنترل می‌شود تا بجا بچورعب و وحشت دستگیریهایی متعدد ۱۰٪ زمین‌های برای اخراج زنان شاغل ۵٪ اخراج بدلائل سیاسی و اقتصا دی ۶٪ انحن اسلامی در صنعت نفت احوال زیاده‌ها کارگران وجود ندارد.

وضعیت مبارزاتی کارگران: آنچه قابل توجه است که توهم اکثریت کارگران نسبت به رژیم فروریخته است، کارگران در احوال خود به رژیم می‌توانند آنها در تولید هم مراقت لازم را از ابزار کار ندارند و به کم کاری دست می‌زنند و عکس‌های خمینی جلاد و دیگر عناصر منفور رژیم را با به می‌کنند و با تنه‌بازی می‌دهند. روحیه مبارزاتی کارگران بسیار کم است و خواسته‌های سیاسی آنان از خواسته‌های صنفی شان برجسته تر می‌باشد.

بهر روز با دیپکار سرخ کارگران بر علیه سرمایه

اخبار جنبش توده‌ای: کرمانشاهدرا و آخر شهریور ما اعدا نهائی قرون وسطا رژیم بسا عت ایجا در حبه تمرضی در بین زحمتکشان گردید ۱۰٪ از جمله بهرام خمینی از جاهدین خلق به جرم هواداری از زمان مذکور محکوم می‌شود و وقتی از توبه گرفتن از او ما بوس می‌شوند به او چند تیر زده ولی تهر خلاصی را نمی‌زنند و حاد او را به پزشکی قانوی می‌برند پزشکی از صد و در جواز دفن برای جسد نیمه‌جانوی خود داری می‌کند صدای دست و پا زدن و تکان خوردن جسد در سردخانه کارکنان پزشکی قانوی نونی بر آن میدارد که وی را به پرون بسا ورنند ولی با تهدید بسا - داران فاشیست رو برو می‌شوند بسا از چند ساعت در سردخانه را باز می‌کنند و جسدرا کف زمین می‌پاشند و حاد ابتدا در کابین های کتو نی سردخانه بود که بسا از تنگنای زیاد آنجا با تنین افتاده و جان می‌سپارد در تشییع جنازه وعده زیادی از مردم شرکت می‌کنند که ۸ نفر دستگیر می‌شوند. در صفحه ۶

برای افشای هر چه بیشتر چهره کره رژیم جمهوری اسلامی و شناساندن مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران و تبلیغ و ترویج آلترناتیو دموکراتیک انقلابی بیولتاریا بعنوان یکی از آلترناتیوهای کسب قدرت، اتحادیه دانشجویان ایرانی در سوئد دست به یک سری آکسیونهای دفاعی - تبلیغی زد. علاوه بر مصاحبه‌های رادیویی - روزنامه‌ای، اتحادیه کسوری برای جمع آوری کمک مالی و افشای جنایات رژیم ۱۰۰۰ در چهار شهر امس - استکهلم - گوتنبرگ - اپسالا وارد آکسیون دفاعی گردیدند.

۱- الف - مصاحبه با روزنامه دانشجویان (باتیراز ۱۰ هزار)، افشای جنایات رژیم و افشای امریالیسم سوئد در مورد رای "دادگاه" در مورد رفقای اشغال کننده سفارت ایران در استکهلم که به ۸ ماه زندان "محکم" شده اند این مصاحبه در صفحه اول روزنامه با عکسی از سفارت اشغال شده و باند رول نصب شده بر سر سفارت، درج گردید.

ب- ارتباط با رفقای هوادار اقلیت و مجاهدین برای شرکت در یک عمل مشترک. بنظر ایجاد پایه توده‌ای وسیعتر در بین دانشجویان ایرانی و سوئدی و جلب حمایت آنها جهت اخراج مرتجعین توده‌ای و اکثریتی این حامیان و قبح کشتار فرزندان خلق از محل جلسه هفتگی و مانعت از برگزاری میز کتاب. در همین رابطه جلسه‌ای با مسئولین شورای دانشگاه تشکیل گردید. رفقای نماینده اتحادیه مابهمراه دو نیروی دیگر با افشای چهره جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی و خمینی جلاد حواس را اخراج مرتجعین ریزونیست از دو محل فوق گردید.

این مساله در روزنامه دانشجویی شهر به تفصیل درج شد علت درخواست ما هواداری توده‌ای‌ها و اکثریتی‌ها از قتل عام انقلابیون ایران - دفاع از خمینی جنایتکار و جاسوسی برای رژیم ایران توسط اینان بود.

ج- برپا داشتن نمایشگاه عکس در دانشگاه از اوضاع ایران و پخش اعلامیه به سوئدی با تحلیلی مختصر از اوضاع ایران افشای اعدا مه‌ای کمونیست‌ها، انقلابیون و خرسالان، افشای توده‌ایها و اکثریتی‌های ضد انقلابی. این آکسیون با رفقای اقلیت مشترکا برگزار شد.

د- تشکیل یک جلسه عمومی مشترک با رفقای هوادار اقلیت برای ایرانیان مبارز شهر که حدود ۹۰ نفر شرکت کرده بودند

تیراندازی ۱۰۰۰۰ از صفحه يك

هما نظریه که هموطنان مترقی و دانشجویان مبارز ایرانی در خارج از کشور مطلع هستند ، روز جمعه ۲۰ نوامبر یکی از دانشجویان هوادار " سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر " از شهر تسور فرانسه بفرات ایران دربارن مراسم مراجعتا تا بهیئنا معای بگردد ولی از آنجا تمکه مزدوران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بفرمان سرکردگان جلاخویش با سپورت دانشجویان مبارز و فعال را گرفته و بانان بس نمهند ، با سپورت رفیق را گرفته و بیوی بس ندادند . رفیق در آن روز علیرغم تلاشهای فراوان موفق نمشود با سپورتش را دریافت دارد . روز دوشنبه وی مکررا " بفرات رفته و خواهان با سپورت خود مبرگردد . مزدوران رژیم خمینی مجددا " از استر- داد با سپورت امتناع ورزیده و وقتی با مقاومت رفیق مواجه میشوند ، با فحاشی و گفتن اینکه " شاهمگی ضد انقلاب هستند و باید همه شما لکنت تا به گری در خارج جرات مخالفت با امام رانداخته باشد " و " باید حکم شرعی در مورد تو اجرا شود .. " اقدام به تیراندازی بطرف وی نموده و از چهار تیر نشان گرفته بطرف رفیق سه تیر به باهای وی اصابت نموده بطوریکه ران باهای او سوراخ میشوند .

خبر این ترور ارتجاعی بوسیله کلیه خبرگزارها ی جهان - بخش و بیوزنه در رسانه های گروهی فرانسه منطلا " درج گردید . همچنین رفقای هوادار سازمان پیکار در کشورهای مختلف نیز این خبر را با نوشتن روزنامه های دیواری و اعلامیه با اطلاع هموطنان مبارز و مترقی رسانندند . اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی پس از اطلاع از این ترور ارتجاعی و نا فرجام مزدوران حزب اله بهیامی بر رفیق شهزاد سرمدی بشرح زیر ارسال نمود :

★ رفیق صدرا لدهن شهزاد سرمدی ★

با دروهای گرم ، خبر ترور نا فرجام تو توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی را دریافت کردیم . سرمداران جمهوری اسلامی سرا سیمه و دیوانه و اریای تجات خویش از مرگ محتملی که در آبنده های نه چندان دور آنان را خواهد بلمسد ، از است زدن پیرگونه جنایت و جنایت های ایاندارند : اعدام انقلابیون کمونیست و دمکرات ه کتا رتوده های زحمتکش و خلقهای قهرمان ایران بیوزنه خلق دلاور کردمداد ما " ادامه دارد . مزدوران رژیم خمینی جلاد تلاش می نما بندتا در هر کجا که حرکتی از جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان و مدافعین آنان با نت میشود و جنایت بیدان هجوم نما بند . آنان امروز خواهان نند تا جوترور و سرکوب حاکم بر ایران را با فضا بردن دانشجویان انقلابی و ترور آنان بخارج ایران گسترش دسد و بدین وسيله خواهان سرکوب جنبش دانشجویی در خارج از کشور می باشند تا بتوانند از مبارزات مستمرا فنا گرانه آنان در سطح بین المللی جلوگیری نما بند . ولی تا ریخچه مبارزات دا - ندوئی در خارج از کشور و خون دانشجویان شهید و کلیه شهدای خلق گواهی میدهند که دانشجویان انقلابی هیچگاه با رژیمهای مرتجع و حامی سرمایه دار سازش نکرده و مبارزه خویش را حتی در بدترین شرایط ادامه داده اند . امروز سلما " وظیفه دانشجویان انقلابی و بیوزنه ما هواداران منی بیگیر طبقه کارگر میباشد تا با مبارزه و اعتراض خویش علیه جنایات رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی مداوما " اقدام با فحاشی جنایات رژیم نموده و صدای حق طلبانه کارگران و زحمتکشان ایران را بگوش جهانیان برسانیم . در پایان مجددا " صمیمانه ترین دروهای آتشین بعینه در صفحه ۵

در این جلسه دو مقاله یکی از طرف اتحادیه ما و دیگری از طرف سازمان هوادار اقلیت قرائت شد . سپس بحثی در مورد ایران شروع گردید . در مقالات و بحث ها تحلیلی از اوضاع کنونی ایران ، وضعیت جنبش ، نوکری ، روزیونیستهای توده های و اکثریت برای سرمایه داران ایران بود .

همه برگزاری آکسیون جمع آوری کمک مالی برای زندانیان سیاسی در شهر امشو

آکسیون در این شهر از تاریخ ۱۲ / ۱۰ / ۸۱ تا ۲۲ / ۱۰ / ۸۱ برگزار شد . زنفقای اعضا و هواداران اتحادیه به تیمهای ۳ تا ۵ نفری تقسیم شده همه روز در یک قسمت از اماکن مسکونی شهر از : ساعت ۵ بعد از ظهر تا ۷ به بخش اعلامیه پرداختند . در روز بعد در همان محل توسط تیم دیگری با مراجعه به منازل توضیح در مورد مسائل ایران خواستار کمک مالی میگردد رفقای اعضا و هواداران با شرکت فعال خود توانستند علاوه بر افشای رژیم ارتجاعی ایران ، و شناساندن جنبش کمونیستی ایران و سازمان پیکار و افشای مرتجعین لیبرال چون بنی صدر مقدار قابل ملاحظه ای کمک مالی جهت زندان سیاسی جمع - آوری شد .

در امشو پیش از ۲۲ هزار کرون سوئد معادل ۹ هزار مارک آلمان غربی جمع آوری شد .

و علاوه بر جلسه بزرگداشت رفیق داود تماسهایی بوده که با روزنامه دانشجویی و روزنامه های شهر جهت افشای جنایات رژیم و پختن خبر اعدام رفیق پیکارگر کمونیست عضو سابق اتحادیه دانشجویان ایرانی در امشو گرفته شد . و در سطح وسیع این خبر در روزنامه شهر در روزنامه دانشجویی با تصویر رفیق به تفصیل درج گردید .

ی - تماس اتحادیه با رادیو سراسر سوئد و ترتیب یک مصاحبه نیم ساعته در مورد اوضاع ایران و ارائه تحلیلی مختصری از جنبش کمونیستی و جنبش خلق و آینده جامعه و جنبش .

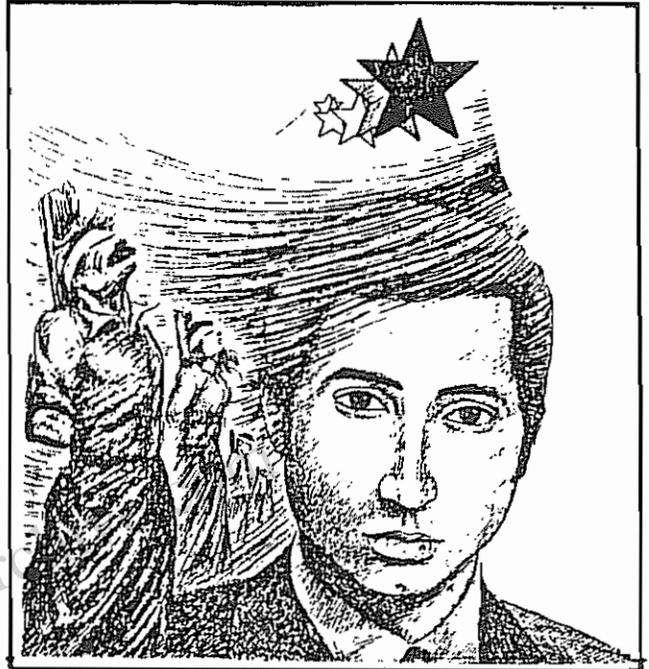
رفقا و هموطنان مبارز : پیشنهادات و انتقادات و مطالب خود را با درس بستنی زیر در اختیار ما گزارید .

POSTLAGERKARTE Nr.  
002318 B  
1000 Berlin 12

در اهتزاز باد پرچم مقاومت توده ها علیه رژیم جمهوری اسلامی !

# جاودان باد یادرفیق شهید عباس بنائی

در فروردین ۱۳۲۲ در یک خانواده نسبتاً فقیری در تهران متولد شد. در جوانی بعلت فقر مادی وی قادر به ادامه تحصیل نبود و برای تامین مخارج زندگی مجبور به کار مشقت با رعده او و بعدها در ضمنی که کار می کرد شبانه به تحصیل ادامه داد. بعد از اتمام تحصیلات رفیق به همراه مقداری پولی که جمع کرده بود و کمکهای اطرافیان در سال ۱۹۴۳ توانست به آلمان سفر کند، پس از آموزش زبان آلمانی



موفق بدربارفت فوق دیپلم استاد داری در رشته مکانیک اتومبیل گردید. از آنجا که قلبش برای مبارزه و عشق به رها نیز زحمتکشان می طلبید با او همکاری می رزات تو بهما در ایران قبل از شهریور خونین ۵۷ به ایران بازگشت. در سالهای اقامت در خراسان در صفوف دانشجویان متذکران در کفدراسیون به مبارزه بر علیه امپریالیسم و رژیم سرمایه داری ادامه می خواسته بود. بعد از سرنگونی خاندان پهلوی و بقدرت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی رفیق می گفت: فقر، گرسنگی، هفتاد بی سواری بیگاری جهل فرهنگی، بحران و... حاصل نظام سرمایه داری می باشد و ما باید بر علیه این نظام مبارزه کنیم. او در میان توده ها چون ماهی در آب شناور بود و در بسیج مردم منطقه خاک سفید بر علیه پادشاهان جهل و سرمایه نقش بسیار عمده داشت. رفیق عباس که صحنه اصلی مبارزه را در ایران با فتنه بود می توان یکی از اعضای فعال گروه انقلابیون (مسل) پیکار خلق "لظه ای از خدمت به کارگران و زحمتکشان و افشا بدربار بورژوازی و مرتجعین وابسته آن یعنی روبرو بیونستیهای خائن به جهان می توده ای و اکثریتیهای فداکارانی غافل نمی نمودند و ایمان راسخ اثر نسبت به رها نیز زحمتکشان و اخلاق انقلابی رفیق عباس المرافیان را محذوب می کرد. او بسیار رزق و مهریان و دوستیها وفا برای تو بهما بود. در بخشها پیر با نیروهای درون خلقی بسیار متانت بود ولی در برابر دشمنان زحمتکشان و نوکران بورژوازی با منطقی کوبنده و همراه با خشم انقلابی ما همت طبقاتی و مزدور بودنشان را برای برائی تو بهما با دلایل کمونیستی عباس

می کرد. او بعد از وحدت انقلابی گروه "پیکار خلق" با سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر "بمنوا پیکار" را گردی همیشه ما در دسترس گری سازمان پیکار به مبارزه خویش بر علیه سرمایه داری جهان می ورزیم. ارتجاعی جمهوری اسلامی و برترناری جمهوری دمکراتیک خلق ادامه داد. رفیق بدنبال تهاجم حنا پیکار را از رژیم خمینی جلاد به سازمان پیکار پیکار دستگیر شد و در نیمه دوم مرداد ماه ۱۳۶۰ به دست دزدان حیمان رژیم خونخوار اسلامی به شهادت رسید.

## جاودان باد یادرفیق شهید محمد عمیم

در صف کاروان شهیدان خانی برای محمدمعمیم خانی بود که محمد با بیوشن به این کاروان با سخنان انقلابی به وظیفه اش در قبال حلفش داد. رفیق از جمله جوانان متمدنی بود که با ورودش بخارج از کشور در سال ۱۹۲۱ به صف دانشجویان دمکرات و مدد میریاست پیوست. فعالیت خستگی ناپذیری در احسان دانشجویان ایرانی در برابر کوی بود که با رها او بمنوا نماینده دانشجویان انتخاب شد. کمترین اتفاق می افتاد که او وظیفه مبارزاتی را تمام بگذارد و در تهیه تدارک آکسیژنهای مختلف و افشا کننده علیه رژیم شاه حلال همیشه پیشرو بوده بود. دانشجویان ایرانی، دانشجویان خارجی بسا چهره ها و آشنا بودند. روحیه بر تحرک و مهریان محمد نردی از اواسط خفته بود که دانشجویان ایرانی و خارجی همیشه با میل او می پذیرفتند. او و بعلت مبارزه بیگیش بر علیه رژیم منفر پهلوی و تبلیغ و ترویج ایده های انقلابی برای مزدوران رژیم شاه هشتاد خفته شده بود. به همین خاطر در دیدارهای او از ایران مورد بیگوشا و ک بوده و به هنگام خروج از کشور تحت با زرمی و ضرب و شتم مزدوران ساواک قرار گرفته بود. تدارک موجود در ساواک بر علیه او که کما کما فعالیت بیگیش بر علیه رژیم سرمایه داری و وابسته پهلوی بود. هشتاد و نه سال با پگان می "ما و ما می رژیم خمینی جلاد موجود است محمدمعمیم از جمله دانشجویان مبارزی بود که خیلی سریع با دیدگاه های انحرافی سر کفدراسیون مرز بندی کرده و سمت گیری خود را بسوی بخش منشعب سازمان مجاهدین خلق و نتایج سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر اعلام کرد. او و چند ماه قبل از قیام بحث تدارک مراحت به ایران. در بین دانشجویان مبارزان مطرح کرد و خود رها را ایران شد. بعد از قیام علیه رژیم جوانمندان سراسری هیچگاه دنیا تو بهما نسبت به رژیم جمهوری اسلامی ننشاند و با رها میگفت رژیم جمهوری اسلامی حاکم سرمایه داران و دشمن کارگران، زحمت کشان و خلقهای ایران است. او بعد از تفرق خاندان انقلابی به انقلاب و انقلابیون بست مزدوران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی افتاده و به شهادت میرسد. تا آنجا که ما میباید نیم رفیق هوا داران سازمان پیکار ریخته است ولی از جگونگی ارتباط رفیق با سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر اطلاع درست نداریم. دستگیری رفیق بسند و همسر و فرزندان ۹ ماهه اثر با افعال خانه اش توسط پاسداران سرمایه صورت گرفت. مزدوران خمینی علیه رها اینک هیچ گونه مدرکی از آنان نداشتند. همسر و فرزندان ۹ ماهه اش را مدت یک ماه و نیم در زندان نگاه داشته و در زیر شکنجه قرار میدادند و رفیق را بعد از سه ماه شکنجه های قرون وسطا می بشوید آریا مهری به شهادت میرسانند. رفیق محمد قهرمانانه همچون کلیه پیکارگران راه آزادی طبقه کارگر شهادت را بحان خرید و بنا برسم انقلابی ایستاده شهید شد.

# زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق

بقیه از صفحه ۱

طبق اطلاعات و اسناد موثقی که بدست ما رسیده ، شخصی بنام اسماعیل صفاری میان دو آب یکی از جاسوسان رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی میباشد . وی که جمعی یگان هوانیروز بایگانه هوانیروز کرمانشاه بوده ، بعد از قیام بهمن ماه ۵۷ از ارتش استعفا نموده و سپس بقصد جاسوسی بکرستان رفته و در آنجا با اظهار علاقه و نفوذ در بین سازمانهای انقلابی کرستان اطلاعات جمع آوری و در اختیار فرماندهان مزدور ارتش رژیم جمهوری اسلامی گزارده است .

وی قبل از اقدام باین عمل با فرماندهی رئیس ستاد لشکر ارومیه تماس گرفته و بعداً نیز اطلاعاتی در اختیار انسر مزبور گذاشته است . وی خود در نامه ای منعی شده که با فرار از مرز ایران وترکیه بعراق رفته و در آنجا برای جمع آوری اطلاعات خود را بعنوان خلبان فراری ایرانی معرفی و بواجلب اطمینان عراقیها اطلاعاتی تهیه و در اختیار مقامات ایرانی گذاشته است .

وی بمقامات ایرانی اطلاع داده که : " مهاجمین به شهربانی مها با دوعا ملین ترور رئیس شهربانی آن شهر رادرتاریخ ۱۳۵۸/۷/۲۰ به اسم میشناسد " و در مورد : " ترور رئیس پاسداران ارومیه قیلا" اطلاعات را بعه مسئولین داده است . " و سرهنگ طهبیرنژاد او را میشناسد . او در نامه ای بمقامات رژیم جمهوری اسلامی مینویسد :

" ولی موضوعی که در زیر برایتان تشریح میکنم میدوارم با به قسمی که در اجرای امور خورده اید عمل نمایند و نکته های مهمی که هر چند علاج قسمتی از آن دیر شده ولی امید است حداقل خائنین به خلق را معرفی کنند ..... بنا بدلائلی که در این نامه قابل توصیف نمیشد در تاریخ ۵۸/۴/۱ از ارتش جمهوری اسلامی ایران استعفا نمودم و جهت پیروی هدفی که داشتم عازم دیار خود شدم و دلیل این عمل مهمتر از تمام زندگی من بود آن جمع آوری اطلاعات از بین احزاب هیجانی فعال مثل دموکرات کومه له و چند حزب کوچک و بزرگ که در کرستان ایران مشغول فعالیت بودند بله این کار با همکاری رئیس ستاد لشکر ۶۴ ارومیه انجام گرفت . حتی در ماوریتسی که به عراق داشتم کلیه اطلاعات را در اختیار رئیس ستاد مذکور همینطور رئیس ضد اطلاعات لشکر مربوطه گذاشتم

ولی با کمال تأسف در مقابل اطلاعاتی که بنده برای ارتش جمهوری اسلامی ایران جمع آوری کرده بودم امروز در مقابل اطلاعاتی که داده ام اطلاعاتی که خلال این مشکلات فعلی بود اخبار ناخوری می رسد که من متعقد هستم در جابجائی آن اطلاعات کوتاهی شده و اینرا تنها میتوانم به کوتاه خدمتی افراد مشول که من با آنها سروکار داشتم بگیرم و همینطور بوابسته نظامی در ترکیه و همینطور اطلاعات کلی که بعداً بدست آوردم اطلاعات و مدارکی راجع به سیا ی آمریکا و فعالیتها در کرستان و در داخل ایران .... ولی اینجانب با تمام حسن نیت و امیدواری که یکی از مهمترین خصائص فردی هر مسلمانی است اقامت یافته نشده .... و ما بپلم تمام این اطلاعات را با شخص جناب عالی در میان بگذارم تا شاید قطره ای از دریا که بتواند در برده برداری ..... دست نشانده شیطان بزرگ سهیم باشد .

این خائن خود فروخته از طریق سفارت آمریکا در یونان با سازمان جنایتکار " سیا " تماس داشته و از طرف آن سازمان بوی آموزش مخابرات داده شده و مبالغی پول نیز دریافت نموده . بعلاوه وی با یکی از ما مورین سفارت آمریکا در تهران که جز " گروگانها نیز بوده است ، در تماس بوده . این نشان دهنده این واقعیت است که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی علیرغم هایپوی " ضد " امپریالیستی اش از طرق مختلف با امپریالیسم جنایتکار آمریکا و مزدوران وی از قبیل " قیاده موقت " و غیره همکاریهای نزدیک داشته و دارد . جاسوس مزبور قرار بوده که شخصا بحضور چمران معدوم برسد و از روی نقشه اطلاعات خود را در مورد کرستان در اختیار رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی گزارده . تا آنجا که ما اطلاع داریم شخص مزبور اکنون در کشور سوئد بسر میبرد . این هشدار است بکلیه نیروهای انقلابی و کمونیستی زیرا رژیم مرتجع جمهوری اسلامی همانند همه رژیمهای خینتکار از هیچ کوششی و جنایتی برای تضمین سلطه خود رو بگردان نمیشد و کم نخواهند بود افراد مزدور و خود فروخته ای که با قصد جاسوسی سعی در نفوذ در درون نیروهای انقلابی مینمایند ، که این کوششها فقط با هویشاری و کنترل انقلابی قابل پیش گیری است .

مزدوران رژیم را شناسائی و رسوا کنیم !

نوری اطلاعات از بین احزاب هیجانی فعال مثل دموکرات ، کومه له و چند حزب کوچک و بزرگ در استان ایران مشغول فعالیت بودند بله این کار با همکاری رئیس ستاد لشکر ۶۴ ارومیه انجام گرفت  
در ماوریتسی که به عراق داشتم کلیه اطلاعات را در اختیار رئیس ستاد مذکور و همینطور رئیس ضد اطلاعات لشکر مربوطه گذاشتم  
با کمال تأسف در مقابل اطلاعاتی که بنده برای ارتش جمهوری اسلامی جمع آوری کرده بودم امروز در مقابل اطلاعاتی که داده ام اطلاعاتی که خلال این مشکلات

نمونه دستخط جاسوس مزدور

اشغال کنسولگری ۰۰۰۰ از صفحه ۶

# افتتاح عمل ... یک پاسدار

کـرمانشاه : فساد و فحشا \* معلولی از روابط منقطع  
 سرمایه داری بوده و مسلماً " این مملول که ناشی  
 از فرهنگ مومنیانی و ارتجاعی حاکم بر  
 کشورهای سرمایه داری است در ایران نیز وجود دارد. رژیم ارتجاعی  
 جمهوری اسلامی که تا می‌سیستم گندیده سرمایه داری وابسته به میربا  
 نیس می‌باشد و از بنویفندرت رسیدن با نحا \* مختلف به انقلابیون بود  
 بژه کمونیستها تهمت زده و هر روز مدعی بوده است که در خانه های آنها  
 قرض غذا ملکی، عکسها و مدارکی که در آن بر عملیات منافعی است  
 یافت کرده و همچون محدرطایا، آریا مهرینترین ناعیها و ناعزا  
 های بلهدودا ستاها مینی بریا مطلاع وجود و رو بلطنا مشروع در منازل  
 انقلابیون می‌سراید و در عیوض شب و روز از زهد و تقوی اسلامی خود سخن  
 بقیه در صفحه ۶

کارگر به همراه دانشجویان هوادار کومله بمنظور افشا \* مرجع  
 بیشتر جنایات رژیم جمهوری اسلامی و همبستگی با مبارزات  
 کارگران ، زحمتکشان و خلقهای ایران و بمنظور دفاع از  
 انقلابیون در بند و مخالفت و اعتراض بر علیه اعدامهای بسی  
 دربی انقلابیون کمونیست و سکرکات توسط خونخواران رژیم  
 ارتجاعی جمهوری اسلامی، در تاریخ ۲۵ نوامبر ۸۱ اقدام به  
 اشغال کنسولگری (لانه جاسوسی) رژیم ایران در میلان -  
 ایتالیا نمودند. رفقا بمحض ورود بخاسوخانه رژیم و باج  
 کردن مزدوران رژیم در اطلاقی کنترل کامل را بدست گرفتند.  
 سپس رفقا با بزییر کشیدن عکسهای منحوس خمینی جلا د و باره  
 کرین آنان ، نفرت خود را از جنایات رژیم ابراز نمودند .

**CORRIERE**

Una ventina di dimostranti - tutti iraniani studenti universitari a Milano - hanno preso d'assalto questa mattina, alle 9, il consolato iraniano, che si trova in piazza Diaz 6. Penetrati negli uffici del consolato, hanno aggredito il console As-san Saazgara e i sette impiegati imbevagliando e legandoli saldamente. Alcuni sono stati duramente picchiati al punto che qualcuno ha dovuto anche ricorrere alle cure del medico.

I dimostranti protestavano contro il regime di Khomeini, con scritte e cartelli che hanno abbandonato sulle scale del

بزرگواران  
دموکراتیک

**KHOMEINI BOIA**

Al consolato iraniano di piazza Diaz 6 dopo l'irruzione: suppellettili devastate e scritte contro il regime di Khomeini.

و بطور وسیعی در رسانه های گروهی ایتالیا منعکس گردید.  
 مادر اینها قسمتی از اعلامیه مشترک رفقای هوادار سازمان  
 پیکار و کومه در ایتالیا را میآوریم :  
 " بنام کارگران و زحمتکشان و تمامی خلقهای قهرمان ایران  
 و بیاد شهدای بخون خفته راه آزادی و استقلال که بانشار  
 جان خود انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی توده های  
 تحت ستم ایران را آبیاری نمودند و بعنوان اعتراض به  
 کشتار روحشیا نه کمونیستها و انقلابیون مادانشجویان و دانش  
 آموزان هوادار سازمانهای کومه له و پیکار ، لانه جاسوسی  
 مرتجع جمهوری اسلامی را به اشغال خود در آوردیم تا بدین  
 وسیله مبارزات بحق خلقهای دلاور ایران را بگوش جهانیا ن  
 برسانیم و هرچه بیشتر نقاب تزویر و حنا بتکارانه حاکمیت  
 منفور جمهوری اسلامی رازدوده و چهره کثیفشان را آشکارتر  
 سازیم .....

آری حکومت قرون وسطائی جمهوری اسلامی برای پاسداری از  
 سرمایه های امپریالیستی ، فرزندان انقلابی خلق را بجوخه  
 های تیر میسبارد ، کودکان ۱۰ الی ۱۱ ساله را اعدام میکند  
 زنان باردار را به خاک و خون میکشد ، توده ها را بخاطر  
 داشتن یک اعلامیه به زیر تیغ میبرد و زخمیهای مبارزان  
 رنج و کار را دردم بزنجیر مرگ میبندد . این رژیم با منطق  
 کثیف و خونبار خود محکوم به فنا است .....

برای پاسخگویی به یاوه گوییهای رژیم و سرسپردگان آن در  
 خارج و اعتراض به مسائل یاد شده بر آن شدیم که لانه فساد  
 و تباهی و جاسوسی را با اشغال خود در آوریم و مشت محکمی به دهان  
 حلاان رژیم و تمامی وابستگان مزدور و همچون رویزبونیمتها ی  
 ارتجاعی حزب توده و گروهک موسوم به " اکثریت " که بخشی  
 از حمایان فکری و عملی آنان میباشد کوبیده تا بیا نگر باندک  
 رسائی خلقهای ایران در این منطقه از جهان باشیم .  
 مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی .- مرگ بر رژیم ارتجاعی  
 جمهوری اسلامی .- برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق !  
 زنده باد سوسیالیسم ! - دانشجویان و دانش آموزان هوادار  
 " کومه له " در ایتالیا - دانشجویان و دانش آموزان هوادار  
 سا زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در ایتالیا عضو  
 اتحادیه جهانی " "

آنگاه تصاویر رفقای شهید از جمله رفیق محمد تقی شهرام  
 رفیق کاک فواد سلطانی ، رفیق محسن فاضل و ... بدیوار  
 های جاسوخانه چسبانده و بدینوسیله یاد شهدای بخون  
 خفته خلق را گرمی داشتند . در ادامه اشغال انقلابی  
 جاسوخانه رژیم ، رفقای اشغال کننده به نوشتن شعارهای  
 انقلابی از قبیل " سرگ بر خمینی جلا د " ، " برقرار  
 باد جمهوری دموکراتیک خلق " ، ..... بر در و دیوار جاسوس  
 خانه برداختند. برای اعلام اکسیون و توضیح اهداف اشغال  
 باندرول بزرگی از پنجره ساختمان آویزان کرده و بر روی  
 دوپرچم سرخ بزرگ دیگر نیز شمشه ای از جنایات رژیم  
 سرمایه داری جمهوری اسلامی توضیح داده شده بود. حبر  
 این اکسیون موفقیت آمیز بلافاصله با اطلاع خبرگزاریها رسیده

## برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق